

دیدار روسای دو ابرقدرت چین و آمریکا!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، روز جمعه سفر سه روزه خود به چین را در حالی به پایان رساند که هر دو ابر قدرت پیشرفت در رابطه‌شان را ستودند. اما تحول بزرگی در زمینه مسائل عمده و مورد اختلاف، از جمله ایران و تایوان، اعلام نشد. هم‌زمان پکن اعلام کرده است که شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، دعوت دونالد ترامپ برای سفر به آمریکا در سال جاری را پذیرفته است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز چهارشنبه ۱۳ مه ۲۰۲۶-۲۰۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵، وارد پکن شد تا در سفری سه‌روزه با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، درباره مجموعه‌ای از بحرانی‌ترین پرونده‌های جهانی و دوجانبه گفت‌وگو کند. ورود ترامپ به پکن، نخستین سفر یک رئیس‌جمهور آمریکا به چین در نزدیک به یک دهه گذشته و نخستین سفر او به این کشور از سال ۲۰۱۷ است. دیدارهای رسمی دو طرف قرار است روزهای پنج‌شنبه و جمعه برگزار شود و جنگ ایران، بحران تنگه هرمز، تجارت، تایوان، هوش مصنوعی، فناوری تراشه و طرح احتمالی گفت‌وگو درباره کنترل تسلیحات هسته‌ای از محورهای اصلی آن خواهد بود.

این سفر در شرایطی انجام شد که جنگ ایران و آمریکا - اسرائیل به یکی از عوامل اصلی فشار بر اقتصاد جهانی و سیاست داخلی آمریکا تبدیل شده است. ترامپ پیش از عزیمت به چین گفت انتظار دارد با شی جین‌پینگ درباره ایران «گفت‌وگویی طولانی» داشته باشد، اما هم‌زمان مدعی شد برای پایان دادن به جنگ ایران به کمک چین نیاز ندارد. او گفت تنها چیزی که برایش اهمیت دارد این است که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد؛ اظهاراتی که در آمریکا به دلیل فشار تورم و افزایش هزینه‌های ناشی از جنگ، با انتقاد روبه‌رو شده است.

با وجود این اظهارات، چین به دلیل روابط راهبردی و اقتصادی با ایران و وابستگی به مسیرهای انرژی خلیج فارس، یکی از بازیگران کلیدی در بحران کنونی است. بخش بزرگی از نفت تحریم‌شده ایران راهی چین می‌شود و بسته‌شدن یا کنترل محدود تنگه هرمز بر بازار انرژی آسیا و جهان اثر مستقیم دارد. هم‌زمان، پکن در روزهای اخیر از پاکستان خواسته است نقش میانجی‌گرانه خود میان تهران و واشنگتن را تقویت کند و به حل‌وفصل مسئله بازگشایی تنگه هرمز کمک کند. این نشان می‌دهد چین، حتی اگر نخواهد در ظاهر نقش میانجی مستقیم را بپذیرد، در پشت صحنه برای مهار پیامدهای جنگ فعال شده است.

در آستانه ورود ترامپ به پکن، مقام‌های اقتصادی دو کشور نیز تحرکات فشرده‌ای داشته‌اند. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، و هه لی‌فنگ، معاون نخست‌وزیر چین، در کره جنوبی دیداری سه‌ساعته برگزار کردند تا زمینه گفت‌وگوهای اقتصادی رهبران دو کشور را آماده کنند. موضوع این مذاکرات، رسیدگی به اختلافات تجاری، زنجیره‌های تامین جهانی، مواد معدنی حیاتی، تعرفه‌ها، نیمه‌رساناها و احتمال تمدید آتش‌بس شکننده تجاری میان دو کشور بود. مقام‌های آمریکایی امیدوارند سازوکاری شبیه «هیأت تجارت» میان واشنگتن و پکن ایجاد شود تا از بازگشت جنگ تعرفه‌ای جلوگیری کند.

ترامپ در این سفر آشکارا به دنبال یک موفقیت اقتصادی است. او پیش از حرکت گفته بود از شی خواهد خواست چین را بیش‌تر به روی شرکت‌های آمریکایی باز کند. همراهی مدیران بزرگ فناوری و تجارت، از جمله جنسن هوانگ، مدیرعامل انویدیا، و حضور چهره‌هایی مانند ایلان ماسک در هیئت همراه او، نشان می‌دهد کاخ سفید می‌خواهد این سفر را نه فقط یک نشست امنیتی، بلکه ماموریتی برای گسترش حضور شرکت‌های آمریکایی در بازار چین معرفی کند.

ترامپ پس از قدم‌زدن با شی در میان بوته‌های گل سرخ در باغ‌های ژونگ‌نان‌های، محوطه مرکزی رهبری چین گفت: «ما چند توافق تجاری فوق‌العاده انجام داده‌ایم؛ توافقی‌هایی عالی برای هر دو کشور». او در ادامه افزود: «ما بسیاری از مشکلات مختلف را حل کرده‌ایم؛ مشکلاتی که دیگران قادر به حل آن‌ها نبودند». ترامپ با وجود این سخنان، جزئیاتی درباره توافقی‌ها ارائه نکرد.

در مقابل، شی جین‌پینگ این سفر را «نقطه عطفی» توصیف کرد و گفت دو طرف «رابطه دوجانبه‌ای تازه» برقرار کرده‌اند؛ رابطه‌ای که به گفته او، «ثبات راهبردی سازنده» است. رئیس‌جمهوری چین هم‌چنین وعده داد که برای باغ گل سرخ کاخ سفید، بذر گل بفرستد.



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، هنگام ورود به فرودگاه بین‌المللی پکن - ۱۳ مه ۲۰۲۶ شرکت می‌کند. رویترز/ایوان ووچی

سخنان رییس جمهور چین و بیانیه وزارت خارجه چین

شی جین پینگ خواستار تبدیل سال ۲۰۲۶ به سالی «تاریخی و مهم» برای روابط چین و آمریکا شد. شی جین پینگ، رییس جمهور چین، هم چنین تاکید کرد که چین و آمریکا «باید شریک باشند، نه رقیب» و افزود که همکاری به نفع هر دو طرف است در حالی که رویارویی به هر دو آسیب می زند. شی جین پینگ، در سخنانی اعلام نمود که روابط تجاری و اقتصادی باید همچنان نیروی محرکه روابط چین و آمریکا باشد، نه مانع. چین و آمریکا باید ارتباط خود را در تمام سطوح و از طریق تمام کانالها برای افزایش درک متقابل حفظ کنند. چین و آمریکا می توانند برای دستیابی به اهداف بزرگتر به نفع کل جهان با یکدیگر همکاری کنند. به گزارش «رویترز»، وزارت خارجه چین اعلام کرد که شی جین پینگ در جلسه ای بیش از دو ساعته به ترامپ هشدار داد که مدیریت نادرست مساله تایوان می تواند روابط دو کشور را به «جایی بسیار خطرناک» بکشاند و حتی خطر درگیری مستقیم ایجاد کند. پکن همچنان تایوان را بخشی از خاک چین می داند و استفاده از زور برای الحاق آن را رد نکرده است، در حالی که آمریکا بر اساس قانون موظف به حمایت دفاعی از تایوان است. اگرچه واشینگتن در بیانیه رسمی خود اشاره مستقیمی به این هشدار نکرد، اما مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، تأیید کرد که موضوع تایوان در مذاکرات مطرح شده است. در کنار اختلافات امنیتی، دو طرف تلاش کردند آتش بس شکننده جنگ تجاری را حفظ کنند. مذاکرات اقتصادی پیشین در کره جنوبی زمینه توافق هایی درباره تجارت و سرمایه گذاری را فراهم کرده بود، و آمریکا امیدوار است چین خرید هواپیماهای بوئینگ، محصولات کشاورزی، و انرژی آمریکایی را افزایش دهد. در مقابل، پکن خواهان کاهش محدودیت های صادرات فناوری و تجهیزات پیشرفته نیمه رسانا از سوی آمریکا است. رییس جمهور چین در سخنرانی خود، از واژه «تله توپسیدید» نام برد. اصطلاح «تله توپسیدید» را کارشناسان و تحلیل گران برای توصیف نوعی خطر درگیری به کار می برند که در پی تهدید یک قدرت نوظهور برای جایگزینی قدرتی مستقر، پدید می آید. نخستین بار توپسیدید را تاریخ نگار آنتی و از بنیان گذاران «تاریخ نگاری علمی» و مکتب واقع گرایی سیاسی، حدود ۲۵۰۰ سال پیش در روایت خود از جنگ پلوپونز توصیف کرد.

سخنان ترامپ

رییس جمهور ایالات متحده در حالی که در میان هیات آمریکایی در اتاق بزرگی نشسته بود، گفت: «رییس جمهور شی، می خواهم بسیار از شما تشکر کنم. پیش از هر چیز، آن مراسم، افتخاری بود که کمتر کسی تاکنون ماندنش را دیده است. و من به ویژه تحت تاثیر آن کودکان قرار گرفتم. آن ها خوشحال بودند، زیبا بودند. ارتش مشخص است، نمی توانست بهتر از این باشد، اما آن کودکان شگفت انگیز بودند، و آن ها نماینده چیزهای بسیاری هستند. می دانم که آن ها برای شما نماینده چیزهای بسیار زیادی هستند.» ترامپ افزود: «من و شما اکنون مدت طولانی است که یکدیگر را می شناسیم. در واقع، طولانی ترین رابطه میان دو رییس جمهور کشورمان را داشته ایم. و این، برای من، یک افتخار است. ما رابطه ای فوق العاده داشته ایم، با هم کنار آمده ایم. وقتی دشواری هایی وجود داشت، آن ها را حل می کردیم. من با شما تماس می گرفتم و شما با من تماس می گرفتید، هر زمان که مشکلی داشتیم. مردم نمی دانند، هر وقت مشکلی داشتیم، خیلی سریع آن را حل می کردیم. و ما آینده ای فوق العاده را در کنار هم خواهیم داشت.» ترامپ افزود: «بنابراین من واقعا بسیار مشتاق گفت و گوی مان هستم، این یک گفت و گوی بزرگ است. کسانی هستند که می گویند شاید این بزرگ ترین نشست تاریخ باشد، آن ها چیزی مانند این را هرگز به یاد نمی آورند. من می توانم بگویم که در ایالات متحده، مردم درباره چیز دیگری صحبت نمی کنند. اما بودن در کنار شما یک افتخار است، دوست شما بودن یک افتخار است، و رابطه میان چین و ایالات متحده آمریکا بهتر از همیشه خواهد شد.»

تنگه هرمز

ترامپ در مصاحبه ای با فاکس نیوز، پس از پایان روز نخست نشست، گفت شی با چند مورد از خواسته های آمریکا موافقت کرده است. چین به واشینگتن وعده داده که به تهران کمک نظامی نخواهد کرد. ترامپ به فاکس گفت: «او (شی جین پینگ) گفت که تجهیزات نظامی نخواهد داد... این را با قاطعیت گفت.» ترامپ در بخشی دیگر از این مصاحبه افزود: «این یک اعلام مهم است.» ترامپ تاکید کرد: «او (شی جین پینگ) مایل است تنگه هرمز باز شود و گفت اگر بتوانم به هر شکلی کمک کنم، دوست دارم کمک کنم.» به گفته کاخ سفید، در پایان گفت و گوهای روز پنجشنبه میان ترامپ و شی، دو رهبر توافق کردند که تنگه هرمز باید باز بماند. کاخ سفید هم چنین اعلام کرد که رییس جمهوری چین مخالفت کشورش را با نظامی سازی این آب راه و هرگونه تلاش برای ایجاد عوارض عبور از آن، اعلام کرده است. ترامپ هم چنین در مصاحبه ای که پنجشنبه شب از فاکس نیوز پخش شد، با اشاره به ایران گفت: «من دیگر خیلی بیش تر از این صبور نخواهم بود. آن ها باید به توافق برسند.» او هم چنین گفت شی جین پینگ «احتمالا توانایی تأثیرگذاری بر ایران» را دارد.

در همین حال، وزارت امور خارجه چین، روز جمعه بیانیهای منتشر کرد و خواستار «آتش بس جامع و پایدار» شد. در این بیانیه همچنین آمده است: «مسیرهای کشتی رانی باید هرچه زودتر، در پاسخ به درخواستهای جامعه بین المللی، بازگشایی شوند.»

تارنمای رسمی وزارت امور خارجه چین گزارش داد، شی جین پینگ و دونالد ترامپ روسای جمهوری چین و آمریکا در جریان جلسه در پکن توافق کردند که در میزبانی موفقیت آمیز نشست رهبران اقتصادی اپک و اجلاس گروه ۲۰ در سال جاری میلادی از یکدیگر حمایت کنند. بر اساس این گزارش، شی جین پینگ گفت که دو رهبر بر سر «رابطه پایدار استراتژیک سازنده» به عنوان جهت گیری جدید روابط دوجانبه در طول سه سال آینده و پس از آن توافق کردند.

به گفته شی، «ایجاد یک رابطه سازنده با ثبات استراتژیک بین چین و ایالات متحده یک شعار نیست.» وزارت خارجه چین به نقل از شی، همچنین اعلام کرد که دو طرف باید تفاهات مشترک مهمی را که به آن رسیده اند، اجرا کنند و از کانالهای ارتباطی در زمینه های سیاسی و دیپلماتیک و نظامی-نظامی بهتر استفاده کنند. دو کشور همچنین باید مبادلات و همکاری ها را در زمینه هایی مانند اقتصاد و تجارت، بهداشت، کشاورزی، گردشگری، روابط مردمی و اجرای قانون گسترش دهند.

مارکو روبیو اعلام کرد ایالات متحده به پشتیبانی بیش تر چین در راه یافتن راه حل برای تنگه هرمز امیدوار است. وزیر خارجه آمریکا تصریح کرد: «ما امیدواریم چین را متقاعد کنیم که نقشی فعالانه تر برای متقاعد کردن ایران بازی کند تا تهران از آن چه در حال حاضر در خلیج فارس انجام می دهد و در تلاش برای انجام آن است، فاصله بگیرد.»

روبیو که دونالد ترامپ را در سفر به چین همراهی می کند، این اظهارات را در گفت و گو با شبکه فاکس نیوز که در هواپیمای «ایرفورس وان» انجام شد، ابراز کرد.

وزیر خارجه ایالات متحده در این گفت و گو تأکید کرد که رفع وضعیت کنونی حاکم در تنگه هرمز به دلایل مختلف به نفع چین است. با این حال از آنجایی که کشتی های چینی نیز در آب های خلیج فارس گرفتار شده اند. او افزود، اقتصاد چین بر محور صادرات فعالیت می کند و از فشارهای اقتصادی ناشی از بحران تنگه هرمز رنج می برد، زیرا کشورهای دیگر بر اثر این بحران کالاهای کمتری از چین خریداری می کنند. اظهارات روبیو در تضاد با سخنان ترامپ قرار دارد. رییس جمهور آمریکا در آغاز سفرش به پکن در پاسخ به این پرسش که آیا همتای چینی او، شی می تواند در جنگ ایران یاری دهنده باشد، گفت بود: «گمان می کنم، ما در مورد ایران به هیچ کمکی نیاز نداریم.» این در حالی است که چین یکی از هم پیمانان مهم جمهوری اسلامی محسوب می شود و از مهم ترین خریداران نفت ایران است.

سیاست در قبال تایوان «بدون تغییر»

دست دادن های گرم و تشریفات روز پنجشنبه تا اندازه های تحت شعاع هشدار صریح شی درباره تنش ژئوپولیتیک بسیار قدیمی تر، یعنی تایوان، قرار گرفت. کمی پس از آغاز گفت و گوها، رسانه های دولتی چین گزارش دادند که شی به ترامپ گفته است خطا در موضوع حساس تایوان می تواند دو کشور را به سوی «درگیری» سوق دهد.

مصاحبه ترامپ با فاکس نیوز به موضوع تایوان نپرداخت و رییس جمهوری آمریکا نیز در جریان سفر، وقتی خبرنگاران درباره این موضوع از او پرسیدند، اظهار نظری نکرد.

اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا، به شبکه سی ان بی سی گفت رییس جمهوری «در روزهای آینده» در این باره بیش تر سخن خواهد گفت. با این حال، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز پنجشنبه به شبکه ان بی سی گفت که «سیاست آمریکا در موضوع تایوان تغییر نکرده است.» او گفت پکن این موضوع را مطرح کرده بود، اما «ما همیشه موضع خود را روشن می کنیم و سپس به موضوعات دیگر می پردازیم.»

هوش مصنوعی

درباره تراشه های پیشرفته شرکت انویدیا که در هوش مصنوعی استفاده می شوند نیز هیچ اعلامی صورت نگرفت؛ هرچند جنسن هوانگ، مدیرعامل این شرکت، در میان رهبران تجاری هیات همراه ترامپ حضور داشت.

شرکت های فناوری چینی طبق مقررات صادراتی آمریکا از خرید پیشرفته ترین تراشه های هوش مصنوعی شرکت انویدیا، مستقر در کالیفرنیا، منع شده اند؛ مقرراتی که واشنگتن می گوید برای حفاظت از امنیت ملی وضع شده اند.

اسکات بسنت، وزیر خزانه داری، به سی ان بی سی گفت؛ درباره ایجاد «چارچوبها و خطوط حفاظتی» برای استفاده از هوش مصنوعی گفت و گو شده است و افزود که «دو ابر قدرت هوش مصنوعی جهان گفت و گو را آغاز خواهند کرد.»

تجارت

در حوزه تجارت، ترامپ با لحنی پیروزمندانه از «توافق های تجاری فوق العاده» سخن گفت، اما جزئیات زیادی ارائه نکرد. او پیش تر در گفت و گو با فاکس نیوز گفته بود چین پذیرفته است ۲۰۰ فروند هواپیمای بوئینگ خریداری کند. با این حال، بازارها واکنش هیجان زده ای نشان ندادند. شاخص های اصلی بورس چین در روز جمعه نوسان محدودی داشتند و شاخص هنگ سینگ کنگ کاهش یافت. برخی تحلیل گران می گویند بازار انتظار توافقی بزرگ تر،

به‌ویژه در حوزه تجارت و تعرفه‌ها، داشت. در همین حال، اعلام رقم ۲۰۰ فروند برای خرید هواپیماهای بوئینگ کم‌تر از انتظار برخی تحلیل‌گران بود و به افت سهام بوئینگ انجامید.

با این همه، واشنگتن می‌گوید در زمینه خرید محصولات کشاورزی آمریکا از سوی چین پیشرفت‌هایی حاصل شده است. جیمیسون گریر، نماینده تجاری آمریکا، گفت توافق‌هایی در زمینه خرید محصولات کشاورزی و گوشت گاو نهایی‌تر شده و انتظار می‌رود ارزش این خریدها به ده‌ها میلیارد دلار برسد. اما او هم‌زمان تاکید کرد هنوز روشن نیست آتش‌بس تجاری میان دو کشور پس از پایان مهلت فعلی در اواخر سال تمدید خواهد شد یا نه. همین ابهام نشان می‌دهد که توافق‌های اعلام‌شده بیش از آن‌که یک چارچوب پایدار و جامع باشد، در مرحله مدیریت تنش و خرید زمان باقی مانده است.



ترکیب عکسی که ایلان ماسک، تیم کوک، کلی اورتبرگ، جین فریزر، استیون شوارتزمن و چاک رابینز را نشان می‌دهد؛ شماری از مدیران شرکت‌هایی که ترامپ را در سفرش به چین همراهی می‌کنند. AP Photo

ایلان ماسک، تیم کوک، لری فینک و دیگران

در این هیات، هم‌چنین چهره‌های سرشناسی چون ایلان ماسک و تیم کوک حضور دارند. ماسک، مدیرعامل تسلا و اسپیس‌ایکس، به دلیل فعالیت گسترده تولیدی تسلا در چین هم‌چنان یکی از چهره‌های محوری در روابط اقتصادی آمریکا و چین به شمار می‌رود. این سفر پس از دوره‌ای انجام می‌شود که او ریاست «اداره کارایی دولت» را بر عهده داشت؛ نهادی موقت که در نوامبر ۲۰۲۵ منحل شد. با وجود اختلاف‌نظرهای علنی گذشته با رییس‌جمهور، حضور ماسک نشان‌دهنده تلاوم اهمیت فعالیت‌های او در حوزه سیاست خارجی است. هم‌زمان، تیم کوک در آنچه انتظار می‌رود آخرین تلاش عمده دیپلماتیک او در مقام مدیرعامل اپل باشد شرکت می‌کند. با قطعی شدن بازنشستگی او در اول سپتامبر، کوک در حال آماده‌سازی برای واگذاری سکان مدیریت به جان ترنوس است. او در سال‌های مدیریت خود کوشیده است با ایجاد توازن میان سرمایه‌گذاری در داخل آمریکا و تولید در خارج، اثرات جنگ‌های تجاری را مدیریت کند. برای کاهش آثار تعرفه‌ها، اپل به تازگی متعهد شده است ۶۰۰ میلیارد دلار (۵۱۰٫۸ میلیارد یورو) در آمریکا سرمایه‌گذاری کند؛ اقدامی که معافیت‌های مهمی برای محصولات شاخص این شرکت به‌همراه آورد. بخش هوانوردی با حضور کلی اورتبرگ، مدیرعامل بوئینگ، نمایندگی می‌شود؛ او در تلاش است در شرایط دشوار مقرراتی فعلی، اهداف تحویل هواپیما را محقق کند.

بوئینگ از آوریل ۲۰۲۵، زمانی که پکن برای مقابله به مثل با تصمیم آمریکا برای افزایش تعرفه بر محصولات چینی تا ۱۴۵ درصد، مالیات واردات بر کالاهای آمریکایی را به ۱۲۵ درصد رساند، با موانع جدی روبه‌رو بوده است. اورتبرگ پیش‌تر ابراز اطمینان کرده بود که این تنش‌های تجاری مانع از بهبود مالی نخواهد شد و به گزارش‌ها، مذاکرات برای یک قرارداد بزرگ فروش هواپیما هم‌چنان ادامه دارد.

در کنار این مدیران صنعتی، گروهی از مدیران وال‌استریت از جمله لری فینک از بلک‌راک، دیوید سولومون از گلدمن ساکس و جین فریزر از سیتی‌گروپ نیز حضور دارند. به گزارش‌ها، مدیرانی از متا، مسترکارت و ویزا هم در این سفر هستند و نمایندگی طیف وسیعی از منافع اقتصادی آمریکا را بر عهده دارند. این مدیران در مجموع می‌کوشند روابط تجاری میان دو کشور را که هرچه بیش‌تر با اقدامات حمایت‌گرایانه و رقابت فناورانه تعریف می‌شود، ثبات ببخشند.

سخنان ترامپ درباره ایران

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، طی آخرین روز دیدار با همتای چینی خود اعلام کرد تهران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد و گفت بسیاری از مشکلات مربوط به بحران ایران که «دیگران نمی‌توانستند کاری کنند» حل‌وفصل شده است.

ترامپ جمعه ۲۵ اردیبهشت گفت پرونده ایران را با شی جین‌پینگ، رییس‌جمهوری چین، بررسی کرده و دو طرف نمی‌خواهند ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. او تاکید کرد واشینگتن و پکن می‌خواهند تنگه هرمز باز شود.

رییس‌جمهوری آمریکا، هم‌چنین گفت دو طرف درباره نحوه پایان دادن به وضعیت مربوط به جنگ ایران به دیدگاه‌های مشترک نزدیک شده‌اند. او اضافه کرد: «حساس می‌کنیم درباره نحوه پایان دادن به این وضعیت، همکاری زیادی وجود دارد.»

دونالد ترامپ، هم‌چنین اعلام کرد شی جین‌پینگ، رییس جمهوری چین، متعهد شده است هیچ تجهیزات نظامی برای کمک به ایران در جنگ با آمریکا و اسرائیل ارسال نکند و در عین حال برای کمک به باز نگه‌داشتن تنگه هرمز اعلام آمادگی کرده است.

رییس جمهوری ایالات متحده، پنج‌شنبه ۲۴ فروردین، پس از دیدار با شی در پکن، در گفت‌وگو با شبکه «فاکس‌نیوز» گفت: «او گفت تجهیزات نظامی ارائه نخواهد کرد» و افزود رییس‌جمهوری چین «روی این موضوع تاکید داشت.»

ترامپ پیش‌تر به شبکه «فاکس‌نیوز» گفته بود زمان تهران در حال پایان است و ایران باید توافقی را امضاء کند. او بار دیگر تاکید کرد اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و گفت در این زمینه با چین هم‌نظر است. رییس‌جمهوری آمریکا هم‌چنین هشدار داد در صورت شناسایی هرگونه تحرک در تاسیسات هسته‌ای ایران، آمریکا حملات نظامی مستقیمی انجام خواهد داد.

ترامپ در این گفت‌وگو خاطرنشان کرد عملیات نظامی پیشین آمریکا علیه تاسیسات هسته‌ای ایران، «تلاش‌های تهران برای توسعه سلاح هسته‌ای» را ناکام گذاشته است. او هم‌چنین مقام‌های ایران را «دیوانه» توصیف کرد و گفت اگر ایران به بمب هسته‌ای دست پیدا کند، از آن علیه اسرائیل، خاورمیانه، اروپا و حتی آمریکا استفاده کند.

احتمال تاثیرگذاری چین بر ایران

با توجه به ناراضی‌های چین از احتمال وضع عوارض از سوی ایران برای عبور از تنگه هرمز، ترامپ گفت معتقد است شی جین‌پینگ شاید بتواند بر ایران تاثیر بگذارد. او خاطرنشان کرد آمریکا به دنبال بازگشایی تنگه هرمز برای تمام کشورهای منطقه است.

رییس‌جمهوری آمریکا، هم‌چنین گفت صبر زیادی در برابر ایران نخواهد داشت و از تهران خواست هرچه سریع‌تر توافقی را نهایی کند. ترامپ درباره حملات آمریکا به ایران گفت: «اگر متوقف نمی‌شدیم، ممکن بود این وضعیت چند هفته دیگر ادامه پیدا کند و در نهایت پایان یابد. این کار را به درخواست بسیاری از رهبران انجام دادم. با آن‌ها روابط خوبی دارم و این موضوع برایشان مهم است. کار ایران تمام شده است. اکنون می‌توانند توافق کنند، یا نابود خواهند شد. من نمی‌خواهم چنین کاری انجام دهم.»

ترامپ هم‌چنین گفت رییس‌جمهوری چین برای کمک به مذاکرات با ایران با هدف دستیابی به توافقی درباره بازگشایی تنگه هرمز اعلام آمادگی کرده است.

هم‌زمان، وزارت خارجه چین اعلام کرد سفر رییس‌جمهوری آمریکا به پکن باعث افزایش اعتماد و تفاهم میان دو کشور شده است. بنابه اعلام وزارت خارجه چین، شی جین‌پینگ و دونالد ترامپ بر سر چارچوبی جدید برای «ثبات راهبردی» توافق کرده‌اند.

وزارت خارجه چین پیش‌تر نیز تاکید کرده بود هرچه سریع‌تر آتش‌بسی جامع و پایدار در منطقه برقرار شود و اعلام کرده بود دستیابی سریع به راه‌حل، به سود آمریکا، ایران و تمام کشورهای منطقه خواهد بود.

کنگره آمریکا طرح محدودسازی اختیارات ترامپ در ایران را رد کرد

مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا که جمهوری خواهان در آن اکثریت دارند، با اختلافی بسیار اندک قطع‌نامه‌ای را که دموکرات‌ها برای توقف جنگ با جمهوری اسلامی ارائه کرده بودند رد کرد.

این قطع‌نامه با هدف متوقف کردن جنگ تا زمان دریافت مجوز رسمی از کنگره ارائه شده بود، اما تلاش ارائه‌دهندگان آن برای محدود کردن کارزار نظامی دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا، با کم‌ترین اختلاف ممکن شکست خورد.

مجلس نمایندگان با ۲۱۲ رای موافق در برابر ۲۱۲ به این قطع‌نامه رای مخالف داد؛ در نتیجه اکثریتی به دست نیامد و این طرح شکست خورد.

این سومین مورد رای‌گیری مجلس نمایندگان در سال جاری درباره قطع‌نامه اختیارات جنگی مربوط به ایران محسوب می‌شود و هم‌چنین نخستین رای‌گیری پس از آن است که در اول ماه مه، مهلت ۶۰ روزه برای مراجعه ترامپ به کنگره درباره جنگ ایران به پایان رسید.

ترامپ در آن زمان، اعلام کرد که آتش‌بسی، عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی را پایان داده است. با این حال به نظر می‌رسد که اکنون اختلاف آرا به تدریج کم‌تر شده است و جمهوری خواهان هم‌حزبی ترامپ، تنها اکثریتی شکننده را در اختیار دارند.

قطع‌نامه قبلی درباره اختیارات جنگی در ۱۶ آوریل با نتیجه ۲۱۳ رای مخالف در برابر ۲۱۴ رای موافق شکست خورده بود و یک نماینده نیز رای ممتنع داده بود.

اختلاف آرا در سنای آمریکا نیز کمتر شده است؛ روز چهارشنبه، یک قطع‌نامه مرتبط با اختیارات جنگی با نتیجه ۵۰ رای مخالف در برابر ۴۹ رای موافق متوقف شد. در آن رای‌گیری، سه جمهوری خواه همراه با تمام دموکرات‌ها به جز یک نفر، به پیشبرد این طرح رای داده بودند.

جنگ‌های آمریکا از زبان ترامپ

ترامپ، شامگاه جمعه ۱۵ مه ۲۰۲۶، در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز گفت: «جنگ ویتنام ۱۹ سال طول کشید، عراق یک دهه، جنگ‌های دیگر هم یک دهه طول کشیدند. ما دو ماه و نیم است در ایران هستیم. در جنگ‌های دیگر ده‌ها هزار سرباز از دست دادیم. در این جنگ، متأسفانه ۱۷ سرباز از دست دادیم.» او افزود: «در ایران بهتر از این نمی‌شود عمل کرد. آن‌ها نیروی دریایی ندارند، نیروی هوایی ندارند. اخبار جعلی این را پخش می‌کند که ما جنگ را می‌بازیم.»

رییس‌جمهوری آمریکا با هشدار به رهبری تهران گفت: «دیگر مدت زیادی صبور نخواهم بود. آن‌ها باید توافق کنند. هر انسان عاقلی توافق می‌کند؛ شاید آن‌ها دیوانه‌اند. آن‌ها باید میان توافق و نابودی یکی را انتخاب کنند. قیمت نفت بالا رفت، اما خیلی کم‌تر از آن‌چه مردم فکر می‌کردند. برای مدت کوتاهی قابل قبول بود، چون نمی‌توانستیم اجازه دهیم ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد. آن‌ها دیوانه‌اند؛ از آن استفاده می‌کردند. دیگر اسرائیلی وجود نداشت، اروپایی وجود نداشت، و آن‌ها به سراغ ما می‌آمدند.»

هم‌زمان با ازسرگیری هشدارهای دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی ایران، که آخرین مورد آن بامداد امروز یکشنبه ۱۷ مه ۲۰۲۶، در شبکه «تروث سوشال» که طی آن جمله‌ای تحت عنوان «آرامش پیش از طوفان» منتشر کرد، منابع اسرائیلی تاکید کردند که میان تل‌آویو و واشینگتن هماهنگی‌های فشرده‌ای برای احتمال از سرگیری جنگ با تهران در جریان است.

به گزارش روزنامه «یدیعوت آهارونوت» منابع اسرائیلی، هم‌چنین توضیح دادند که برآوردهای تل‌آویو نشان می‌دهد احتمال اقدام ترامپ برای آغاز دوباره درگیری‌ها حدود ۵۰ درصد است.

هم‌زمان، اسرائیل و آمریکا آماده‌سازی‌های گسترده‌ای برای احتمال ازسرگیری جنگ انجام می‌دهند و گفت‌وگوهای هماهنگی در بالاترین سطوح میان ارتش اسرائیل و موساد در حال برگزاری است. در همین راستا، منابع اسرائیلی تاکید کردند که ارتش در بالاترین سطح آمادگی برای تجدید جنگ قرار دارد.

به گفته منابع مطلع، ارزیابی اسرائیل این است که ترامپ احتمالاً به حملات محدود، مانند هدف قرار دادن نیروگاه‌های برق و پل‌ها، بسنده خواهد کرد. هم‌چنین ممکن است ترامپ دستور عملیات زمینی نیز صادر کند، هرچند نسبت به این گزینه مردد است و از گرفتار شدن در جنگ هراس دارد. اما اگر تصمیم به عملیات زمینی بگیرد، سه سناریو «اجرای عملیات برای خارج کردن اورانیوم غنی‌شده‌ای که در عمق زمین دفن شده است»، «کنترل جزیره نفتی خارک» و ازسرگیری «عملیات آزادی» برای هدایت کشتی‌های گرفتار در تنگه هرمز مطرح است.

این منابع اما در عین حال تاکید کردند که ادامه محاصره دریایی بندر ایران و احتمال تشدید آن برای افزایش فشار اقتصادی بر تهران از سوی ترامپ قطعی است.

در روزهای گذشته، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، مجموعه‌ای از نشست‌های امنیتی درباره آمادگی برای احتمال بازگشت جنگ برگزار کرده است. با این حال، نکته قابل توجه این بود که به‌جز یک نشست کابینه کوچک امنیتی، نتانیاهو طی هفته گذشته از تشکیل جلسه کابینه گسترده خودداری کرد؛ اقدامی که به نوشته روزنامه اسرائیلی شاید برای «فریب دشمن» انجام شده باشد.

شایان ذکر است که ترامپ اخیراً پاسخ ایران به پیشنهاد آمریکا را «بسیار بد» توصیف کرده و اشاره کرده بود که اگر از پیشنهاد جدید ایران خوشش نیاید، پس از خواندن سطر اول آن را رد خواهد کرد.

در همین حال، برخی منابع آگاه گفتند که تهران شروط خود را تغییر نداده و هم‌چنان بر مسئله رفع محاصره دریایی بندر ایران، لغو محدودیت بر دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در خارج و هم‌چنین ایجاد نظامی جدید برای مدیریت تنگه هرمز پافشاری می‌کند؛ افزون بر این، ایران بر حق غنی‌سازی اورانیوم تأکید دارد، هرچند احتمال دارد با تعلیق آن برای چند سال مشخص موافقت کند.

به این ترتیب با وجود تهدیدهای مکرر ترامپ، اما هنوز در مذاکرات را باز گذشته و محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان در یک سفر از پیش اعلام نشده، به ایران سفر کرده تا گفت‌وگوهای صلح میان آمریکا و ایران را «تسهیل» کند.

خبرگزاری تسنیم گزارش داده که «محسن نقوی، امروز در یک سفر رسمی دو روزه به‌عنوان بخشی از تلاش‌های مداوم پاکستان برای تسهیل مذاکرات و ارتقای صلح منطقه‌ای وارد جمهوری اسلامی ایران شد.»

نورنیوز نیز گزارش داده که وزیر کشور ایران و همتای پاکستانی او در دیداری که امروز شنبه ۱۶ مه، داشتند، در مورد روابط میان دو کشور و چشم‌انداز ازسرگیری مذاکرات صلح، گفت‌وگوی «مفصلی» داشتند.

وزیر کشور پاکستان درحالی به ایران سفر کرده که هنوز مشخص نیست، آیا ایران و آمریکا مذاکرات اسلام‌آباد را ادامه خواهند داد یا خیر.

نشریه فارن افزر، در مقاله‌ای به قلم «دنی سیتینویچ»، پژوهش‌گر ارشد برنامه ایران و محور شیعی در «مؤسسه مطالعات امنیت ملی» و مسئول پیشین بخش پژوهش و تحلیل ایران در واحد اطلاعات ارتش اسرائیل، استدلال کرده است جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، برخلاف انتظار طراحان آن، نه تنها به فروپاشی جمهوری اسلامی منجر نشد، بلکه فرصت تازه‌ای برای بازسازی، تمرکز قدرت و تقویت نیروهای تندروتر در درون حکومت فراهم کرد. فارن افزر می‌نویسد این روند می‌توانست به شکلی کاملاً متفاوت پیش برود. پیش از جنگ، جمهوری اسلامی با یکی از عمیق‌ترین بحران‌های مشروعیت خود از زمان انقلاب ۱۳۵۷ روبه‌رو بود. مشارکت در انتخابات مجلس مارس ۲۰۲۴ اندکی بیش از ۴۰ درصد بود، پایین‌ترین میزان از زمان تاسیس جمهوری اسلامی. انتخاب مسعود پزشکیان، چهره‌ای نسبتاً میانه‌رو، به ریاست جمهوری نیز از نگاه نویسنده نشان می‌داد که حکومت دریافته بود باید به نارضایتی عمومی پاسخ دهد. در همان دوره، اجرای قانون سخت‌گیرانه‌تر حجاب متوقف شد و تا اواخر سال ۲۰۲۵، زنان بیش‌تری بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر می‌شدند و رفتارهای اجتماعی آزادانه‌تری در فضای عمومی دیده می‌شد.

مقاله ریشه خطای محاسباتی آمریکا و اسرائیل را در مقایسه نادرست ایران با ونزوئلا می‌داند. ترامپ پس از برکناری نظامی نیکولاس مادورو در ونزوئلا، تصور می‌کرد ایران نیز نظامی شکننده، وابسته به یک رهبر و آماده فروپاشی سریع است. به همین دلیل، طرح اسرائیل برای زدن ضربات سریع و مشخص، از جمله کشتن خامنه‌ای، در نگاه او جذاب جلوه کرد. اما ایران، به نوشته فارن افزر، ونزوئلا نبود. جمهوری اسلامی ساختاری چندلایه از نهادهای روحانی،

نظامی و اداری دارد که برای جذب شوک و حفظ تداوم قدرت طراحی شده است. نارضایتی مردم ایران واقعی بود، اما طراحان جنگ قدرت فشار خارجی برای تبدیل این نارضایتی به فروپاشی نظام را بیش از اندازه برآورد کردند.

نتیجه جنگ، تمرکز بیشتر قدرت در دست دستگاه امنیتی بود. مجتبی خامنه‌ای به چهره‌های محوری در روند جانشینی تبدیل شد و سپاه پاسداران نفوذ خود را بر نهادهای تصمیم‌گیری، از جمله ریاست جمهوری و شورای عالی امنیت ملی، افزایش داد. ساختار تازه قدرت، به نوشته نویسنده، متمرکزتر، نظامی‌تر و کمتر مقید به رقابت‌های جناحی است. جمهوری اسلامی پس از این جنگ، نه تنها عقب‌نشینی نکرد، بلکه تهاجمی‌تر شد؛ به کشورهای عربی خلیج فارس حمله کرد؛ کشورهایی که خامنه‌ای پیش‌تر در پی تنش‌زدایی با آن‌ها بود. برخلاف جنگ ۱۲ روزه ژوئن گذشته، این بار حاضر نشد بدون تضمین‌های محکم جنگ را پایان دهد. توان موشک‌های دوربرد را به نمایش گذاشت که خامنه‌ای پیش‌تر در محدود کردن آن احتیاط داشت، و در تنگه هرمز نیز رفتاری جسورانه‌تر نشان داد...

فانز اسپس به خطای دیگری در محاسبات دولت آمریکا اشاره می‌کند: واشنگتن هنوز برخی چهره‌های جمهوری اسلامی، مانند محمدباقر قالیباف، رییس مجلس، را با مقام‌هایی در ساختار ونزوئلا مقایسه می‌کند و گمان دارد می‌توان از آنان برای تغییر جهت راهبردی ایران استفاده کرد. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در اواسط آوریل گفته بود قالیباف «عملا ایران را اداره می‌کند». نویسنده این برداشت را خیال‌پردازانه می‌داند و می‌گوید قدرت واقعی اکنون در دست مجموعه‌ای از رهبران امنیتی و سیاسی است که همگی به اصول بنیادی جمهوری اسلامی وفادارند و انگیزه انتقام از درگیری‌های گذشته را دارند. از نگاه او، تصور این که قالیباف یا چهره‌هایی مشابه بتوانند شریک تغییر جهت راهبردی ایران شوند، غیرواقعیست... جمع‌بندی فانز اسپس این است که تلخ‌ترین پیامد جنگ، خاموش کردن امکان تحول داخلی در ایران بود. راهبردهای تغییر حکومت اغلب نه به دلیل قدرت ذاتی حکومت‌ها، بلکه به این دلیل شکست می‌خورند که این حکومت‌ها توان سازگاری دارند. در مورد ایران، فشار خارجی به شکاف در نظام منجر نشد؛ بلکه موقعیت تندرترین نیروها را تقویت کرد. نتیجه، به نوشته این نشریه، ایرانی است کم‌تر قابل پیش‌بینی، کم‌تر مهارپذیر و احتمالا خطرناک‌تر.



در این تصویر که توسط خبرگزاری تسنیم منتشر شده، یک قایق تندرو نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کشتی باری «اپامینونداس» نزدیک می‌شود؛ رسانه‌های دولتی این صحنه را به توقیف یکی از دو شناور متهم به نقض مقررات در تنگه هرمز در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۲۶ نسبت

داده‌اند. AP - Meysam Mirzadeh

زندگی در سایه جنگ و سرکوب – گرانی و فقر در ایران

مسعود پزشکیان، رییس‌جمهور و عبدالناصر همتی، رییس بانک مرکزی، گفته‌اند از افزایش قیمت‌ها آگاهند، اما جنگی را که از اواخر فوریه آغاز شده عامل اصلی فشارهای اخیر دانسته‌اند. دولت هم‌چنین با قوه قضاییه برای مقابله با گران‌فروشی و احتکار هماهنگ شده است. با این حال، در فضای سیاسی رسمی کشور، بخشی از واکنش‌ها به جای تمرکز بر ریشه‌های ساختاری بحران، به نسبت دادن گرانی‌ها به «توطئه دشمن» متمایل شده است. شماری از نمایندگان مجلس، حتی مجریان تلویزیون دولتی و رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران افزایش قیمت‌ها را «مشکوک» توصیف کرده‌اند. آنان گرانی‌های افسارگسیخته را بخشی از کارزار «انتقام اقتصادی» دشمنانی دانسته‌اند که به گفته آنان در میدان نظامی شکست خورده‌اند. یکی از مهمانان شبکه افق تلویزیون دولتی روز شنبه گفت مردم ایران نباید فریب «گرانی‌های ساخته دشمن» را بخورند و مدعی شد «دستاوردهای اقتصادی جنگ» با هیچ دوره دیگری قابل مقایسه نیست.

اما برای خانوارهایی که هر روز با قیمت‌های تازه و سفره کوچک‌تر روبه‌رو می‌شوند، چنین ادبیاتی کم‌تر می‌تواند واقعیت زندگی را توضیح دهد. فشار اقتصادی فقط از بیرون نمی‌آید. الجزیره تأکید می‌کند که بخشی از درد اقتصادی مردم، نتیجه مستقیم قطع تقریبا کامل اینترنت است که مقام‌های ایرانی برای هفتاد و دومین روز پیایی اعمال کرده‌اند. بسیاری از مقام‌های دولتی، شرکت‌های زیرساخت اینترنت، شرکت‌های مخابراتی و سازمان‌های وابسته به دولت گفته‌اند با نظام اینترنت طبقاتی و محدودیت‌های فعلی مخالف‌اند، اما مسئولیت آن را نمی‌پذیرند و می‌گویند این تصمیم از سوی شورای عالی امنیت ملی گرفته شده و تا پایان جنگ ادامه خواهد داشت.

قطع اینترنت برای اقتصاد ایران، ضربه‌ای جداگانه و سنگین بوده است. کسب‌وکارهای آنلاین، خدمات دیجیتال، فروشگاه‌های اینترنتی، استارت‌آپ‌ها، فریلنسرها، شرکت‌های تبلیغاتی و خدمات پلتفرمی در ماه‌های گذشته با رکودی فلج‌کننده روبه‌رو شده‌اند. انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی روز شنبه در بیانیه‌ای تند اعلام کرد:

«اکوسیستم استارت‌آپی کشور مرده است؛ ما دنبال سنگ قبرش می‌گردیم.» این جمله، شاید بیش از هر آمار رسمی، عمق ویرانی بخشی از اقتصاد نوین ایران را نشان دهد.

در مجموع، آن‌چه امروز بر خانوارهای ایرانی می‌گذرد، حاصل هم‌زمان چند بحران است: سوءمدیریت داخلی، تحریم‌های غرب، محاصره دریایی، جنگ، سقوط ریال، کسری بودجه، قطع اینترنت و نبود چشم‌انداز روشن برای پایان بحران.

در حالی که اقتصاد ایران پیش از جنگ نیز زیر فشار تحریم‌ها، فساد ساختاری، سوءمدیریت، سقوط ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم فرسوده شده بود، جنگ سال ۲۰۲۶ و پیامدهای مستقیم آن اکنون بازار کار کشور را با بحرانی تازه روبه‌رو کرده است. گزارش نیویورک تایمز از تهران نشان می‌دهد موجی از اخراج‌ها، تعدیل نیرو، تمدید نشدن قراردادهای کار، کاهش ساعت کار و مرخصی‌های اجباری در بخش‌های گوناگون اقتصاد ایران به راه افتاده است؛ موجی که از شرکت‌های فناوری و فروش اینترنتی تا کارخانه‌های نساجی، صنایع وابسته به پتروشیمی و واحدهای کوچک تولیدی را دربرگرفته است.

در بخش صنعت، علت فوری بسیاری از اخراج‌ها کمبود مواد اولیه است. حملات آمریکا و اسرائیل به برخی واحدهای بزرگ پتروشیمی و فولاد، عرضه مواد پایه برای صنایع پایین‌دستی را مختل کرده است. از سوی دیگر، محاصره بندرهای ایران واردات کالاها و مواد مورد نیاز تولید را دشوارتر کرده است. کارخانه‌هایی که به مواد پتروشیمی، فلزات، قطعات وارداتی یا ماشین‌آلات وابسته‌اند، یا تولید خود را کاهش داده‌اند یا عملاً فقط در ظاهر باز مانده‌اند. در چنین شرایطی، اخراج رسمی همیشه تنها شکل بیکاری نیست؛ بسیاری از کارگران با قراردادهای تمدیدنشده، کاهش ساعت کار، مرخصی اجباری یا تعطیلی‌های پراکنده روبه‌رو می‌شوند.

خبرگزاری کار ایران، گزارش داده است یک کارخانه نساجی در غرب ایران ۷۰۰ نفر از ۸۰۰ کارگر خود را اخراج کرده و کارخانه دیگری در شمال کشور ۵۰۰ نفر را از کار بیکار کرده است. بهرام زنبویی‌تبار، رییس یک شورای کار محلی در استان فارس، گفته است برخی واحدها در عمل تولید واقعی ندارند و فقط برای حفظ موجودیت خود به صورت نیمه‌فعال یا مقطعی کار می‌کنند. این توصیف، تصویر دقیق‌تری از رکود کنونی می‌دهد: کارخانه‌هایی که خاموش نشده‌اند، اما نفس نمی‌کشند؛ کارگرانی که هنوز نامشان در فهرست‌ها هست، اما مزد و کار واقعی ندارند.

مهدی بستانچی، رییس شورای هماهنگی صنایع، گفته است بخش صنعتی ایران وارد دوره‌ای از انقباض شده که می‌تواند تا سه و نیم میلیون کارگر را تحت تاثیر قرار دهد. او توضیح داده است برخلاف رکودهای کلاسیک، کاهش اشتغال همیشه بلافاصله در آمار رسمی دیده نمی‌شود، زیرا بسیاری از کارفرمایان به جای اعلام اخراج گسترده، قراردادهای تمدید نمی‌کنند، ساعت کار را کم می‌کنند یا کارگران را به مرخصی اجباری می‌فرستند. همین پنهان بودن بخشی از بیکاری، خطر بحران را بیشتر می‌کند، زیرا آمار رسمی ممکن است عمق واقعی فاجعه را دیرتر نشان دهد. گزارش‌های کارگری و اقتصادی نیز از گسترش تعدیل‌ها در زنجیره تأمین و صنایع وابسته به پتروشیمی خبر داده‌اند.

فشار بر بازار کار در داده‌های کارایی نیز دیده می‌شود. در ۲۵ آوریل-۵ اردیبهشت، یک سکوی کارایی در ایران رکورد ۳۱۸ هزار رزومه ارسال در یک روز را ثبت کرد؛ رقمی که حدود ۵۰ درصد بالاتر از رکورد قبلی بود. گزارش‌های دیگر این عدد را نزدیک به ۳۲۰ هزار درخواست شغلی در یک روز دانسته‌اند. چنین افزایشی معمولاً فقط یک آمار اداری نیست؛ نشانه هجوم ناگهانی بیکاران، اخراج‌شدگان، نیروهای نگران از آینده شغلی و کسانی است که زیر فشار تورم ناچارند به دنبال شغل دوم یا درآمد جایگزین بگردند.

در این میان، سیاست‌های دولت نیز گاه به جای مهار بحران، فشار بر کسب‌وکارها را بیشتر کرده است. دولت در ماه مارس حداقل دستمزد را ۶۰ درصد افزایش داد؛ تصمیمی که ظاهراً برای جبران تورم شدید و سقوط قدرت خرید کارگران گرفته شد. اما در شرایط رکود، کاهش فروش و اختلال تولید، برخی مدیران بخش خصوصی می‌گویند این تصمیم شوک تازه‌ای به شرکت‌ها وارد کرد و موج اخراج‌ها را شدت داد. این استدلال البته نباید بهانه‌ای برای سرزنش مزد کارگران شود. مسئله اصلی آن است که کارگران سال‌ها زیر تورم له شده‌اند، در حالی که دولت و کارفرمایان نه توان مهار قیمت‌ها را داشته‌اند و نه برنامه‌ای برای حفظ اشتغال و حمایت واقعی از مزدبگیران ارائه کرده‌اند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی با انتشار گزارشی با عنوان «عملکرد قوه قضاییه در ۷۷ روز گذشته»، دوره جنگ و آتش‌بس اعلام کرد از زمان آغاز جنگ تاکنون «۳۰ نفر» از زندانیان سیاسی یا امنیتی را اعدام کرده است.

حضور مجریان چند شبکه تلویزیون ایران با اسلحه و آموزش استفاده از آن در شبکه افق واکنش‌برانگیز شده است. در یکی از این برنامه‌ها، حسین حسینی باز و بسته کردن اسلحه کلاشینکف را آموزش داد. مجری برنامه با هدف گرفتن پرچم امارات متحده در استودیو، به آن شلیک کرد. بعضی از مجریان هم مثل مبینا نصیری در شبکه سه تلویزیون اعلام آمادگی کرد «در صورت نیاز، خودش و همه زنان به‌عنوان جان‌فدا به جنگ می‌پیوندند.» در ماه گذشته، انتشار رژه زنان مسلح در خودروهای حامل دوشکا نیز خبرساز شده بود.

گروهی از کاربران، این برنامه‌ها را به شرایط جنگی نامعلوم و بعضی به ایجاد ترس بین مردم برای شروع اعتراضات ربط دادند. بعضی دیگر نیز به مجری تلویزیون لیبی اشاره کردند که در سال ۲۰۱۱ چند روز پیش از سقوط حکومت قذافی مخالفان را با اسلحه تهدید کرده بود.

از آغاز جنگ و تجمعات شبانه حامیان حکومت تصاویری از مردم با اسلحه منتشر شده است. تصاویری هم از کودکان مسلح با لباس نظامی در تجمع‌های شبانه حامیان حکومت منتشر شده است عملی که خلاف قوانین حقوق بشر است.

با این وجود، باز هم دولت از مردم می‌خواهد شرایط کشور را درک کنند و بر انسجام ملی تکیه کنند؟! اما در بازار، مردم با پرسشی ساده و بی‌پاسخ روبه‌رو هستند: با درآمدی که هر ماه بی‌ارزش‌تر می‌شود، چگونه باید نان، برنج، روغن، مرغ، شیرخشک و دارو خرید؟

جنگ، فقط در میدان‌های نظامی و در آسمان شهرها جریان ندارد. جنگ اکنون در صف‌های خرید، در سبدهای کوچک‌تر، در بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها و در مغازه‌هایی که هر چند هفته قیمت‌ها را بالا ببرند، در سفره‌هایی که گوشت و برنج و روغن از آن حذف می‌شود، و در کسب‌وکارهایی که با قطع اینترنت نفس‌شان بریده شده، ادامه دارد. برای بخش بزرگی از جامعه ایران، تورم مواد غذایی به معنای عددی در گزارش‌های رسمی نیست؛ به معنای کوچک‌تر شدن زندگی است.

جمع‌بندی

این دیدار در حقیقت بازتاب مرحله‌ای تازه از بحران سرمایه‌داری جهانی و جابه‌جایی توازن قوای بین‌المللی است؛ مرحله‌ای که در آن جنگ، رقابت اقتصادی، فناوری، انرژی و نظامی‌گری به هم گره خورده‌اند.

در شرایطی که فشارهای آمریکا علیه ایران پس از جنگ و بحران تنگه هرمز بازار جهانی انرژی را متزلزل کرده، آمریکا و چین در حالی پشت میز مذاکره نشسته‌اند که هم‌زمان رقیب، شریک و تهدیدی برای یکدیگرند. همین تناقض، ویژگی اصلی جهان امروز است.

به گزارش نیویورک تایمز؛ آمریکا و اسرائیل در تدارک احتمال از سرگیری حمله به جمهوری اسلامی هستند، به گفته اطلاعاتی که نخواستند نام‌شان فاش شود، این تدارکات گسترده‌ترین مورد از زمان اجرایی‌شدن آتش‌بس است. گزینه‌ها شامل حملات به اهداف نظامی و زیرساخت‌های ایران خواهد بود. به نوشته این روزنامه، ترامپ هنوز درباره گام بعدی خود تصمیمی نگرفته است. آن‌ها افزودند گزینه دیگر شامل استقرار نیروهای عملیات ویژه در داخل خاک ایران برای هدف قرار دادن مواد هسته‌ای مدفون در اعماق زمین است.

به این ترتیب، دیدار پکن برای هر دو رهبر دستاورد تبلیغاتی مهمی داشت. ترامپ توانست خود را در قامت رییس‌جمهوری نشان دهد که با رقیب اصلی جهانی آمریکا معامله می‌کند و از توافقی‌های اقتصادی سخن می‌گوید. شی جین‌پینگ نیز کوشید تصویر چین را به‌عنوان قدرتی مسئول، میانجی‌گر و ضروری در بحران‌های جهانی، از ایران تا تجارت جهانی، تثبیت کند. اما واقعیت پشت این نمایش دیپلماتیک پیچیده‌تر است: اختلاف بر سر تایوان همچنان می‌تواند به سرعت روابط دو کشور را بحرانی کند، جنگ ایران همچنان تهدیدی برای انرژی و امنیت منطقه‌ای است و توافقی‌های تجاری اعلام‌شده هنوز برای آرام کردن بازارها و رفع بی‌اعتمادی عمیق میان پکن و واشنگتن کافی به نظر نمی‌رسد.

در مجموع، سفر ترامپ به چین با اعلام موفقیت پایان یافت، اما نه با حل اختلاف‌ها. دو طرف بیش از آن که به توافقی بزرگ رسیده باشند، کوشیدند بحران‌های هم‌زمان را مهار کنند؛ واشنگتن به دنبال نقش‌آفرینی چین در مهار ایران و باز نگه داشتن هرمز است، پکن می‌خواهد از جنگی پرهزینه برای اقتصاد جهانی جلوگیری کند، و هر دو طرف می‌دانند که پرونده تایوان می‌تواند در هر لحظه فضای مثبت دیپلماتیک را به تقابل تازه تبدیل کند. از همین رو، این دیدار را شاید بتوان نه پایان یک بحران، بلکه آغاز مرحله‌ای تازه از چانه‌زنی میان دو قدرت بزرگ دانست؛ مرحله‌ای که در آن لبخندهای رسمی، هنوز نتوانسته‌اند شکاف‌های واقعی را پنهان کنند.

شی جین‌پینگ در دیدار با ترامپ هشدار داد که اگر مسئله تایوان «به‌درستی مدیریت نشود»، دو کشور ممکن است وارد مناقشه شوند. این سخن صرفاً یک هشدار دیپلماتیک نبود، بلکه بیان فشرده تضادی عمیق‌تر بود: تضاد میان قدرت مسلط سرمایه‌داری جهانی و قدرت نوظهور سرمایه‌داری جهانی. تایوان در قلب رقابت جهانی بر سر راه فناوری نیمه‌رساناها، مسیرهای دریایی، زنجیره‌های تولید، و کنترل اقیانوس آرام قرار گرفته است. در این نقطه، منافع سرمایه‌مالی آمریکا، مجتمع نظامی-صنعتی، گول‌های فناوری و سرمایه‌داری دولتی چین مستقیماً با هم برخورد می‌کنند. اشاره شی به «تله توسیدید» نیز معنایی فراتر از یک مفهوم دانشگاهی دارد. این نظریه می‌گوید زمانی که قدرتی نوظهور جایگاه قدرت مسلط را تهدید می‌کند، خطر جنگ افزایش می‌یابد.

از دیدگاه طبقاتی، در واقع جنگ فقط نتیجه ترس یا سوءتفاهم دولت‌ها نیست؛ بلکه ریشه در رقابت انحصارات سرمایه‌داری برای بازارها، مواد خام، مسیرهای انرژی و حوزه‌های نفوذ دارد. به همین دلیل، مسئله تایوان، جنگ علیه ایران، رقابت هوش مصنوعی و جنگ تجاری آمریکا و چین از هم جدا نیستند. همه این‌ها جلوه‌های مختلف بحران ساختاری نظام سرمایه‌داری جهانی‌اند.

در این میان، سخنان شی درباره تجارت نیز بسیار گویاست. او تأکید کرد که «درهای چین به روی جهان بازتر خواهد شد» و شرکت‌های آمریکایی «چشم‌اندازهای درخشان‌تری» در چین خواهند داشت. این سخنان نشان می‌دهد که با وجود فضای جنگ سرد جدید، سرمایه جهانی هنوز عمیقاً به اقتصاد چین وابسته است.

در این جاست که تناقض بزرگ نظم جهانی آشکار می‌شود: آمریکا از نظر نظامی و مالی هنوز قدرت اول جهان است، اما بخش بزرگی از تولید صنعتی و زنجیره‌های تامین جهانی در چین متمرکز شده است. سرمایه آمریکایی بدون نیروی کار، زیرساخت صنعتی و بازار چین به‌سادگی نمی‌تواند بازتولید شود، اما هم‌زمان از رشد و قدرت‌گیری چین نیز هراس دارد.

به همین دلیل، روابط آمریکا و چین ترکیبی از: رقابت، وابستگی متقابل، تهدید، و معامله‌گری دائمی است.

صحنه‌ای که ترامپ رهبران تجاری آمریکایی را یک‌به‌یک به شی جین‌پینگ معرفی می‌کند نیز معنایی نمادین دارد. این تصویر نشان می‌دهد که پشت همه شعارهای ملی‌گرایانه، امنیتی و ایدئولوژیک، منافع مستقیم سرمایه‌های بزرگ قرار دارند.

دولت‌های سرمایه‌داری، حتی در دوره‌های تنش و جنگ، در نهایت حافظ شرایط انباشت سرمایه هستند.

در این موقعیت، برخی تحلیل‌گران هم از راست و هم از چپ، این پرسش به غایت نادرست را پیش می‌کشند که آیا چین بدیلی سوسیالیستی برای نظم آمریکایی ارائه می‌کند؟

در حالی که واقعیت این است چین شکلی از «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» را نمایندگی می‌کند که خود را رقیب سرمایه‌داری جهانی می‌داند بنابراین، چنین موضعی هیچ ربطی به مبارزه طبقاتی سوسیالیستی طبقه کارگر علیه سیستم سرمایه‌داری ندارد. به عبارت دیگر، چین خودش شکلی از سرمایه‌داری دولتی است؛ اقتصادی مبتنی بر انباشت سرمایه، نابرابری طبقاتی و رقابت جهانی. از این زاویه، تقابل آمریکا و چین نه نبرد «سوسیالیسم و سرمایه‌داری»، بلکه رقابت دو بلوک عظیم سرمایه‌داری در مرحله‌ای بحرانی از تاریخ جهان است. آن چه امروز در پکن جریان دارد، نشانه ورود جهان به دوره‌ای از: بی‌ثباتی ژئوپولیتیک، تشدید رقابت امپریالیستی، نظامی‌گری، بحران انرژی، و بازتقسیم قدرت جهانی است. اما همان‌گونه که سوسیالیسم علمی که بنیان‌گذار آن کارل مارکس است تأکید می‌کند، هزینه این بحران‌ها را نه دولت‌ها و نه میلیاردرها، بلکه طبقه کارگر و فرودستان جهان می‌پردازند: از کارگران آمریکایی که زیر فشار تورم و جنگ‌افروزی قرار دارند، تا کارگران چینی که موتور تولید جهانی‌اند، و تا مردم ایران و خاورمیانه و آفریقا که در متن مستقیم جنگ و تحریم زندگی می‌کنند. به همین دلیل، مسئله اصلی فقط رقابت دولت‌ها نیست، بلکه آینده مبارزه طبقاتی در جهانی است که وارد دوره‌ای تازه از بحران و آشفتگی تاریخی شده است.

یکشنبه بیست و هفتم اردیبهشت ۱۴۰۵ - هفدهم مه ۲۰۲۶